



تا یک ساعت خمیده خمیده راه برویم چون مرتب تیر و ترکش و خمپاره می‌آمد و از کنار گوشمان زوزه می‌کشید و می‌رفت. حتی وقتی دوستانمان به شهادت می‌رسیدند، باز هم مجبور بودیم که ادامه دهیم چون نمی‌توانستیم بمانیم. در نهایت دهم شهر یورماه سال ۶۵ بود ۷۲ نفر از رزمندگان سپاه و بسیج گردان میثم در عملیات کربلای ۲ و در منطقه حاج عمران به اسارت درآمدند.

#### تشنه بودیم اما طلب آب نکردیم

ما دلمان نمی‌خواست اسیر شویم، هدف ما شهادت بود اما راهی هم برای برگشت وجود نداشت. از آنجا ما را سوار ماشین کردند و شادی کنان به سمت پادگانی پشت کوه‌های حاج عمران بردند و یک نفر به نام مصطفی جومان ما را روی آسفالت داغ نشاناد. تشنگی بچه‌ها به حدی بود که آسفالت داغ را لیس می‌زدند اما از عراقی‌ها طلب آب نمی‌کردند. بعد هم با دست‌ها و چشم‌های بسته ما را به اربیل بردند. اسرا بسیار خسته، تشنه و گرسنه بودند. ما را به یک زیرزمین بسیار تنگ، تاریک، نمور و با حداقل امکانات بردند. در آنجا عراقی‌ها سطل آب را می‌آوردند و جلوی چشم بچه‌ها آن را خالی می‌کردند اما هرگز اسرای ایرانی چیزی از عراقی‌ها درخواست نمی‌کردند. واقعاً اسارت شرایط خاص خود را داشت.

#### نوروز ۶۶ عید نداشتیم

به جرئت می‌توانم بگویم در سال اول اسارت اصلاً به عید فکر نمی‌کردیم. اولاً ما را جدا نگه داشتند و می‌گفتند: نباید با هیچ یک از اسرای دیگر ارتباط داشته باشید. می‌گفتند: شما بسیجی هستید و داوطلبانه در جنگ شرکت کردید. اصلاً چرا در جنگ شرکت کردید؟ نوع برخوردشان تند و شکننده بود. من در کتاب روانشناسی اسارت، به شکنجه‌های روانی و جسمانی آنها اشاره کرده‌ام که چقدر اسرا را آزار روحی و روانی می‌دادند. به هر دلیل و با هر شکل و فرمی که بلد بودند اذیت می‌کردند. بنابراین در اولین سال اسارت اصلاحات برگزاری چنین برنامه‌هایی را نداشتیم.

اصلاً اجازه نمی‌دادند با دیگران در ارتباط باشیم. از سویی در آئین و رسوم ما ایرانی‌ها دید و بازدید در عید مرسوم است اما آنها فرصت دید و بازدید را از ما می‌گرفتند. ناگفته نماند که طبق کنوانسیون ژنو اسیر باید کلیه آداب و رسوم و سنت‌های خودش را داشته باشد و این جزو حقوق مسلم هر اسیر است. با این حال آنها به این مسائل پایبند نبودند. به خاطر دارم که برای نوروز سال ۶۷ یعنی با برنامه‌ای برپا کردند و گفتند امروز روز عید شماست. افسر اردوگاه آمد و گفت: «عید شما مبارک اما کوچک‌ترین مخالفتی از شما ببینم سرهایتان را می‌شکنم.» در واقع او در آن واحد تبریک می‌گفت اما با تهدیدهای وحشتناک در حالی که چوب‌دستی‌اش را تکان می‌داد، گفت: «می‌کشم و تکه و پاره‌تان می‌کنم اگر مخالفتی از شما ببینم.» به محض گفتن این جملات یکباره همه اسرا خندیدند چون واقعاً خضیر با آن صحبت‌ها خودش را سبک کرد، او هم تبریک گفت هم بچه‌ها را تهدید کرد. مخالفت از نظر او یعنی با هم صحبت نکنیم، یعنی کاری به کار کسی نداشته باشیم و سرمان پایین باشد. خضیر بعد از آن سخنرانی به هر نفر یک شکلات و یک سیگار داد. در حالی که توزیع سیگار هم فرهنگ غلطی بود. از نظر خودشان خیلی به ما لطف کرده بودند که یک سیگار و شکلات بین اسرا پخش کردند.

#### جایگاه مراسم نوروز در بین اسرا

همانطور که گفتیم در سال اول اسارت، ما اصلاً نوروز را از خاطر برده بودیم اما سال‌های بعد، یعنی دو سال آخر، بچه‌ها برای عید برنامه‌هایی داشتند که انصافاً هم برنامه‌های خوبی بود. مثلاً به شوخی سین‌های مختلفی مثل سیم خاردار و سنگ و... تهیه می‌کردند و روی سفره هفت‌سین می‌گذاشتند. به هر حال در اردوگاه‌ها هم به فقط همین چیزها موجود بود. اسرا از خمیر نان‌هایی که قابل خوردن نبود، آرد مهیا می‌کردند

## هفت‌سین سفره اسارت

#### نسبیه زمانیان

این روزها که در آستانه سال نو قرار داریم بد نیست صفحات زرین تاریخ دوران دفاع مقدس را ورق بزنیم و یاد از خاطرات آن ایام کنیم. در زمانی که رزمندگان دلیر سرزمین مان مردانه وارد کارزار شدند و برخی به اسارت درآمدند، بررسی خاطرات تلخ و شیرین این عزیزان همانند سپری کردن ایام نوروز در اردوگاه‌های رژیم بعث خالی از لطف نیست. دکتر ابوالقاسم عیسی‌مراد متولد ۱۳۴۴ نیز آزاده‌ای است که شهر یور سال ۶۵ در عملیات کربلای ۲ و در منطقه حاج عمران به اسارت بعثی‌ها درآمد و در سال ۶۹ پس از چهار سال اسارت به میهن اسلامی بازگشت. او بعد از پایان دوران اسارت به تحصیلاتش ادامه داد و موفق به اخذ دکتری روانشناسی بالینی شد. وی در حال حاضر عضو هیئت علمی و مدیر پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی است و کتاب «روانشناسی اسارت» او در سال ۸۶ کتاب نمونه سال شد. آنچه در ادامه می‌آید حاصل ساعتی هم‌کلامی با او است که خاطراتی از نوروز در اسارت را دربردارد.

#### ۷۲ نفر بودیم

قرار بر این بود گردان میثم از لشکر قدس گیلان، قله‌های حاج عمران را بگیرد. گردان ما خط‌شکن بود و باید به جلو می‌رفت، تقریباً تا نماز صبح قله را فتح کردیم اما پشتیبان‌های ما دیر رسیدند و از سویی عراقی‌ها هم از سه طرف به ما اشرف داشتند. هوا کاملاً روشن شده بود و دشمن از بالا با هلی‌کوپترها و با تیراندازهای خودشان ما را محاصره کردند. برخی از بچه‌ها همانجا با تیرهای آرپی‌جی به شهادت رسیدند و کم‌کم از تعداد ما کم شد. در حقیقت ما در آن عملیات بر حسب ظاهر موفق نشدیم. البته قله را گرفتیم اما

**دوران اسارت صحنه‌های خوب و شیرین هم داشت. همین که بچه‌ها با هم مراداتی داشتند و وسایلی را به عنوان هفت‌سین جمع می‌کردند تا بیانه‌ای برای دور هم جمع شدن باشد، یک عیدی بود. حتی آن شیرینی‌های معمولی و ساده هم کام ما را شیرین می‌کرد و برای بچه‌ها طراوت و شادایی به وجود می‌آورد. کارهایی که در ایران انجام می‌شد، شکل ساده‌تر آن در اردوگاه بر گزار می‌شد**



**اسرا به شوخی سین‌های مختلفی مثل سیم‌خاردار و سنگ و... تهیه می‌کردند و روی سفره هفت‌سین می‌گذاشتند. به هر حال در اردوگاه‌ها ماده فقط همین چیزها موجود بود. اسرا از خمیر نان‌هایی که قابل خوردن نبود، آرد مهیا می‌کردند و با آن شیرینی و حلوا می‌پختند. ما با همان امکانات حداقلی سعی می‌کردیم به نوروز معنادهیم. لباس‌های کهنه را مرتب می‌کردیم و همان لباس‌های کهنه را مرتب می‌کردیم و آداب و رسوم سنت‌ها را به جامی آوردیم**

بندگی خدا را می‌کنند. به هر حال بهار جزو زیبایی‌های است و آن زمان جبهه هم بخشی از زندگی بچه‌ها بود. در جبهه رزمندگان اینطور نبودند که یک گوشه بنشینند و تارک دنیا باشند. آنها بسیار شاداب بودند. در سنگرهایشان می‌گفتند و می‌خندیدند، جشن پتو می‌گرفتند. گاهی ما بد معرفی می‌کنیم. جبهه دیار عاشقان بود. گاهی برداشت‌های غلط ما باعث می‌شود تصویر غلط بدهیم. شب قبل از عملیات رزمندگان در سنگر گریه و تضرع می‌کردند اما وقت عملیات شیر بودند.

■ دوره زیبای زندگی

اسارت بخشی از زندگی ما بود، بخش زیبای زندگی ما. بخشی که در آن صفا و دلبری بود. سخت بود اما سختی سازنده. وضعیت مادر اسارت به گونه‌ای بود که خود عراقی‌ها می‌گفتند شما چطور موجوداتی هستید؟ شما را کتک می‌زنیم و می‌خندید. کتک خنده نداشت، ما می‌خواستیم شلاق آنها را تحقیر کنیم. ما به اسارت می‌خندیدیم نه اینکه اسارت به ما بخندد. ممکن است تعدادی هم اذیت می‌شدند. شکنجه که تعارف ندارد کتک، شلاق، آهن، میلگرد و با پوتین روی کله آدم آمدن و... آزار دارد اما اینکه چه معنایی به آن بدهیم مهم است.

■ و اما حرف‌های ناگفته...

گاهی ما یک مظلومیت را به تصویر نمی‌کشیم و آن خانواده اسرا بود. در واقع برای آنها آغاز سال مقارن بود با یک غصه و ناراحتی. دیدی که فرزند دلبندم کنار من نیست. همه هم و غم پدر و مادر این است که الان بچه من چه وضعی دارد؟ و ما باید این را ببینیم. ما باید نگاهمان را به گونه‌ای تنظیم می‌کردیم و نگرانی‌های خانواده را هم در آن سسوی قضیه ببینیم. نکات دیگری هم هست که باید به آن بپردازیم. فرض کنید وقتی فرد در وضعیت اسارت قرار می‌گیرد بهره‌برداری‌هایی که از دوران اسارت می‌کنیم برای فرد یک سرمایه است. مثال آن این است که آدم‌های کوچک مثل بر که می‌مانند. یک باد هم بیاید می‌لرزند. آدم‌های بزرگ مثل اقیانوس می‌مانند هر چه هم توفان بیاید اصلاً تکان نمی‌خورند. هرگز توفان‌های زندگی، امام (ره) را نمی‌لرزاند. بچه‌ها در اسارت واقعاً با همه فشارهایی که بود، تحملشان فوق‌العاده بود و مقابل عراقی‌ها می‌ایستادند. من به عنوان یک روانشناس بالینی سال‌هاست کار درمانی انجام می‌دهم و هر هفته مراجعه‌کننده بسیار می‌بینم.

مهارت‌های زندگی را می‌گویم و آسیب‌شناسی روانی و بهداشت روان را درس می‌دهم. حوزه کار من روانشناسی است. اگر آدم‌ها سختی را تحمل نکنند آدم‌های مفلوکی هستند. حالا شاید عبارت زیبایی نباشد اما آدم‌های قوی تحمل سختی را دارند. برخی آدم‌ها تا کوچک‌ترین حادثه‌ای برایشان پیش می‌آید دست و پایشان را گم می‌کنند. از اسارت می‌شود عبرت گرفت. آدم‌ها می‌توانند تاب و تحملشان را بالا ببرند. در اسارت اسرا هر لحظه شکر خدا را به جا می‌آوردند نه اینکه فقط بگوئیم الحمدلله و دائم ناله کنیم، نه واقعاً شکر گزار خدا بودیم. به حضرت زینب (س) گفتند دیدی برادرت، خانواده و ایل و تبارت را همه را کشتیم. مثلاً می‌خواستند آن بانوی بزرگوار را ناراحت کنند اما ایشان به آنها می‌گوید: «من جز زیبایی چیزی ندیدم.» شما برادر و خانواده مرا کشتید آنها به لقای محبوب رسیدند.

روانشناسان می‌گویند این اوج بهداشت روان است. نگاه با نگاه فرق می‌کند. برخی از بچه‌های ما آنجا به شهادت رسیدند. دو تا از آن جمع ۷۲ نفری ما به شهادت رسیدند عراقی‌ها فکر می‌کردند اگر آنها به شهادت برسند دیگر به همه خواسته‌هایشان می‌رسند در حالی که اسیر وقتی می‌بیند در اوج عزت نفس قرار می‌گیرد دیگر این چیزها برای او مهم نیست. بچه‌ها را بیهوش می‌کردند و دیگر رمقی برای آنها باقی نمی‌گذاشتند. چند دقیقه بعد همان آدم در حال عبادت و بندگی بود، این نگاه ما بود که فرق می‌کرد. ■

در زندگی محصور کردیم. امروزه انسان‌ها به هم می‌تازند و احترام کمتری به یکدیگر می‌گذارند اما ما در اسارت با همه فشارها دنیاوی زیبایی را درست کرده بودیم. آدم‌ها خودشان دنیایشان را درست می‌کنند. شما ببینید ما چه دنیایی برای خود درست می‌کنیم؟ آدم‌ها در خانواده چه دنیایی برای خود درست می‌کنند؟ این بستگی دارد که دنیایشان را چطور تعریف کنید؟ ما در اسارت شکنجه می‌شدیم اما به همان شکنجه‌ها هم معنا می‌دادیم. به طور کل از نظر روان‌شناختی آدم‌هایی که میزان سازگاری بالایی دارند به آنها کمتر فشار وارد می‌شود. در روزگار عاشقی شکفته بودیم/ از شوق مولا ما هر نفس زنده بودیم/ ما روزگاری را به عمق جان خریدیم/ ناگفتنی‌های زمان را گفته بودیم آن لحظه‌ها دل بریدن‌ها دیدیم/ با چشم دل شاهدترین صحنه بودیم. (آهی می‌کشند و می‌گویند) مشغول زندگی روزمره شدیم برای خودمان گاهی تلنگری می‌شود.

■ نوروز در جبهه‌ها

بله، در جبهه هم برگزاری آئین نوروز بود. بالاخره این جزو آداب و رسوم ما بود. اوایل انقلاب عده‌ای می‌گفتند آقا نه این کار را نکنید ما شهید داده‌ایم. اما برادر من و دو برادر همسر شهید شده‌اند و خیلی دور از ماجرا نیستیم اما اعتقاد دارم برگزاری نوروز با این مسائل منافاتی ندارد. ما باید به نوروز معنا دهیم. نوروز یعنی چه؟ یعنی حول حالنالی احسن‌الحال. چه زیبا بر و زمین و آسمان و گل و بلبل همه

با آن شیرینی و حلوا می‌پختند. ما با همان امکانات حداقلی سعی می‌کردیم به نوروز معنا دهیم. لباس نو هم که نداشتیم بنابراین همان لباس‌های کهنه را مرتب می‌کردیم و آداب و رسوم و سنت‌ها را به جا می‌آوردیم. گاهی خانواده‌ها عکس‌های مربوط به نوروز را می‌فرستادند و مدت‌ها با آن عکس‌ها سرگرم می‌شدیم.

من در اسارت شعر می‌گفتم و شعرهایم را در اردوگاه پخش می‌کردند. خودمان برای خودمان از اسارت یک دنیایی درست کرده بودیم که به رغم همه سختی‌ها تاب و تحملمان را بیشتر کرده بودیم. پیام کتاب روانشناسی اسارت هم همین است که اسرا چه می‌کردند که توانستند مقابل فشارها کمترین لطمه را بخورند؟ اسرا با قدرت مقابل اسارت ایستادند و بالاخره این نگاهی بود که توانست بچه‌ها را نگه دارد. زندگی امروز هم همین‌گونه است اگر ما نتوانیم بحران‌های زندگی مان را مدیریت کنیم قطعاً مقابل حوادث اتفاقات و نگرانی‌ها قافیه را می‌بازیم. آدم‌ها می‌توانند کم‌کم از باورها به درکی برسند که آن درک به آدم‌ها کمک کند تا در حداقل امکانات، ماندگاری خودشان را به حداکثر برسانند.

■ بهترین عیدی

به هر حال دوران اسارت صحنه‌های خوب و شیرین هم داشت. همین که بچه‌ها با هم مراداتی داشتند و وسایلی را به عنوان هفت‌سین جمع می‌کردند تا بهانه‌ای برای دور هم جمع شدن باشند، یک عیدی بود. حتی آن شیرینی‌های معمولی و ساده هم کام ما را شیرین می‌کرد و برای بچه‌ها طراوت و شادابی به وجود می‌آورد. کارهایی که در ایران انجام می‌شد، شکل ساده‌تر آن در اردوگاه برگزار می‌شد. گاهی گفتن قصه‌ای و مزاحی فضای خوبی را به وجود می‌آورد. هر کس خاطرات خودش را بیان می‌کرد. این عواملی بود که بچه‌ها را خوشحال می‌کرد. حتی بعضی از بچه‌ها روی کاغذی یا پارچه‌ای گلدوزی می‌کردند. گلدوزی‌هایی که روی آن می‌نوشتند: «عیدتان مبارک» بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها به هم احترام می‌گذاشتند. در آنجا بچه‌ها هر چه بلد بودند در طبق اخلاص می‌گذاشتند و به یکدیگر یاد می‌دادند. واقعاً آنجا دانش آموزشی داشتیم که بعدها بسیار پیشرفت کردند و در رشته‌های مختلف تحصیلات عالی کردند. از نظر ما اسارت بسیار زیبا بود و ای کاش ای کاش... (سکوت می‌کند و دوباره ادامه می‌دهد) امروزه نفس بر انسان‌ها حاکم شده است. گاهی برای خودمان داستان‌هایی درست می‌کنیم که از خودمان دور می‌شویم. خسته‌تر از این فاصله و دوری‌ام/ محو در این فرقت و مهجوری‌ام/ وای چه نزدیک‌تر از من به من/ مست در این زندگی صوری‌ام امروز خودمان را



هدف کلی ما از اجرای این طرح اشتغالزایی نیست، بلکه تأمین امنیت غذایی است، اینک روستاییان حداقل غذای خود را تأمین کنند. البته اگر کسی بتواند کار خود را گسترش دهد مورد حمایت مافزار می‌گیرد

سردار خراسانی از طرح‌های بسیج در عرصه اقتصاد مقاومتی می‌گوید

# تأمین امنیت غذایی عیدی اقتصادی بسیج به ملت ایران

و تخم مرغ سنتی در منازل، باغات و محیط‌های روستایی با روش تغذیه ترکیبی از مواد غذایی استاندارد و محلی، کمک به گسترش تولید ماکیان به ویژه اردک و غاز در روستاها، کمک به توسعه شیلات از طریق احداث حوضچه‌ها و استخرهای متعدد در کنار چاه‌های آب در سراسر کشور و در مسیر رودخانه‌ها، توسعه پرورش قارچ به شکل خانگی، توسعه زنبور و تولید عسل به روش محلی، کمک به راه‌اندازی صنایع تبدیلی کوچک برای فرآوری مواد غذایی و داروهای گیاهی در محیط روستایی و شهرهای کوچک، کمک به توسعه واحدهای کوچک تولیدات گلخانه‌ای صیفی جات، کمک به ایجاد شبکه تولید و توزیع صنایع دستی و تولیدات خانگی، کمک به ایجاد کارگاه‌ها و واحدهای کوچک پرورش دام سنگین و نیمه سنگین، کمک به ایجاد توسعه واحدهای محلی پرورش شتر مرغ و بوقلمون، کمک به توسعه کشت زعفران و تأمین آن در کشور و ایجاد کارگاه‌های خانگی تأمین ورمی کمپوست برای تولید کود شیمیایی ۱۲ عرصه این طرح را تشکیل می‌دهند.

**بارها در کشورمان شاهد بوده‌ایم که طرح‌های اقتصادی گوناگونی به اجرا گذاشته شدند که خیلی از آنها موفق نبودند؛ به عنوان مجری این طرح چه ضمانتی را برای اجرای صحیح آن پیش‌بینی کرده‌اید؟**

ما در آسیب‌شناسی‌هایی که در حوزه اقتصادی داشتیم، متوجه شدیم که موضوعات اقتصاد مقاومتی عمدتاً در حد گفت‌وگو باقی می‌ماند و متأسفانه کمتر شاهد بودیم که این تئوری‌ها به شکل عملیاتی تبدیل به برنامه و بحث‌های اجرایی شوند. در مطالعات بعدی هم متوجه شدیم که اگر هم قرار بوده فعالیت اقتصادی انجام شود، این کارها ناتمام باقی می‌ماندند و به اصطلاح چرخه آن کامل اجرا نمی‌شود. به عنوان مثال مشاهده می‌شود که صرف واگذاری تسهیلات به معنای اجرای یک طرح تلقی می‌شود، بدون آنکه نتایج آن بررسی شود. آسیب سوم نیز این است که مردم سازمان یافته وارد این طرح‌ها نشده و عمدتاً به شکل پراکنده به مراجع مختلف مراجعه کرده و با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند. بنا بر این با این آسیب‌شناسی‌ها، بسیج‌سازندگی به عنوان مجری طرح، تمامی مراحل چرخه را تعقیب می‌کند. مواردی چون اطلاع‌رسانی و مشاوره، آموزش مهارت‌های فنی و ترویج، نظارت‌های بهداشتی، کمک به دریافت تسهیلات، کمک به تولید توسط مردم، کمک به سامانه خرید، جمع‌آوری و فروش و حتی صادرات را تدارک دیدیم. یعنی ما حتی افراد تحت پوشش قرار داده شده را تا مرحله توزیع و فروش محصولاتشان که عموماً از دغدغه تولیدکنندگان است، همراهی می‌کنیم. سیاست کلی ما برای ضمانت اجرایی طرح نیز به این نحو است که به جای واگذاری تسهیلات نقدی، تسهیلات غیرنقدی و انجام بخشی از فعالیت‌ها به نیابت از مردم را مد نظر داریم. به عنوان نمونه در عرصه تولید مرغ سنتی و خانگی ما ۵۰۰ دستگاه جوجه‌کش ۵۰۰ قطعه‌ای را به طور متمرکز خریداری و در شروع طرح به ۵۰۰ دهستان واگذار می‌کنیم.



علیرضا محمدی

بسیج در طول تاریخ ۳۳ ساله خود همواره ثابت کرده که تمام قدا پای آرمان‌های نظام و کشور اسلامی می‌ایستد و در این مسیر نیز نه از بزرگی و سختی مشکلات می‌هراسد و نه کمی امکانات و محدودیت‌ها دلسردش می‌کند. اکنون نیز که مسائل اقتصادی از اولویت‌های کشور به شمار می‌رود، بسیج در راستای بن‌بست شکنی و الگوسازی در حوزه اقتصاد مقاومتی، در میان بیش از ۲۰۰ عرصه مورد نیاز در تأمین امنیت غذایی کشور، بر روی ۱۲ عرصه تمرکز کرده تا آنطور که سردار مجید خراسانی، مسئول سازمان بسیج‌سازندگی و مجری طرح می‌گوید، با مردمی کردن اقتصاد، قدم شایسته‌ای در حوزه اقتصاد مقاومتی برداشته شود. خراسانی که از این طرح با عنوان عیدی بسیج به مردم ایران سخن می‌گوید، از انجام اطلاع‌رسانی مناسب طرح در پایان سال ۹۱ خبر می‌دهد تا از ابتدای سال جدید شاهد عملیاتی شدن آن و دیدن ثمرات طرح در جای جای کشورمان باشیم.

**قبل از اینکه صحبت از طرح و نحوه اجرای آن را آغاز کنیم، اصلاً بسیج چرا وارد مرحله اجرایی طرح‌های اقتصادی شده است؟**

کمک به دولت برای سازندگی کشور یکی از دو مأموریت راهبردی بسیج‌سازندگی در کنار حضور جوانان در امر آبادانی در روستاها و مناطق محروم است. به این لحاظ بسیج از سال‌های گذشته به دولت پیشنهاد داده کارهای پراکنده و پرتیراژ را به بسیج‌سازندگی واگذار کند و خودش به طرح‌های عمده بپردازد. بسیج نیز در این راستا با توجه به نقش واسطه‌ای که بین دستگاه‌های دولتی مناطق محروم دارد، مردم را در حوزه اقتصاد مقاومتی در عمل وارد می‌کند. از سوی دیگر بسیج‌سازندگی تاکنون با انجام کارهایی چون ساخت راه‌های روستایی، خانه‌های بهداشت، مساجد، مدارس و... بخشی از مأموریت راهبردی کمک به دولت در سازندگی کشور را انجام داده است. اما اکنون که در شرایط خاص اقتصادی قرار داریم و کشورمان

**این ۱۲ عرصه مورد حمایت بسیج کدام‌ها هستند؟**

با هماهنگی‌ها و همکاری‌های خوبی که با وزارت جهاد کشاورزی و اقشار مختلف در سازمان بسیج صورت گرفته، بسیج‌سازندگی بر آن است بدون تصدی‌گری، طرح اقتصادی خود را اجرا کند و از ابتدای سال ۹۲ برای گسترش ۱۲ عرصه‌ای که اشاره خواهیم کرد، طرح‌ها را اجرایی کند. کمک به گسترش و تولید مرغ



**همانطور که اشاره کردید این ۱۲ عرصه‌ای که بسیج انتخاب کرده در صدد است امنیت غذایی کشور را تأمین کند، در این خصوص چه معضلاتی در کشور دیده می‌شود؟**

این سؤال را می‌توانم با یک مثال پاسخ بدهم. اکنون ما در کشورمان یک میلیارد قطعه مرغ صنعتی تولید می‌کنیم که از نظر نژاد، دان و... وابستگی‌های زیادی به خارج از کشور دارند. علاوه بر اینکه اکثر آن‌ها از نظر هورمونی نیز عوارض بهداشتی در پی دارند. در مقابل ۵۰ میلیون قطعه مرغ محلی در کشور تولید می‌شود که فاصله بین تولید این دو گونه مرغ چیزی در حدود یک به ۲۰ است. این امر در حالی است که مرغ سنتی وابستگی خاصی به خارج ندارد و در تأمین امنیت غذایی کشورمان می‌تواند نقش ارزنده‌ای ایفا کند. فراموش نکرده‌ایم که چندی پیش همین تأمین نشدن دان مرغ‌های صنعتی چه مسئله‌ای را در گرانی قیمت مرغ در کشور ایجاد کرده بود. پس بهترین راهکار این است که ما از تولید مرغ محلی حمایت کنیم، اما متأسفانه اکنون هیچگونه برنامه‌ریزی‌ای برای توسعه تولید مرغ سنتی وجود ندارد و به همین خاطر در طرح بسیج یکی از عرصه‌ها همین تولید خانگی مرغ محلی منظور شده است.

**در مرحله اجرا چه کارهایی انجام می‌گیرد؟ به این معنی که شبکه شما برای رساندن این تسهیلات به مردم چگونه شکل می‌گیرد؟**

در سال ۹۱ ما مقدمات تأمین اعتبار و تسهیلات را فراهم کردیم. سطوح مختلف از نظر سطوح اداری و مجموعه‌سازان بسیج را توجیه کردیم. هماهنگی با وزارت جهاد کشاورزی انجام شد و زیرساخت‌های حداقلی مورد نیاز برای توسعه طرح شروع به تأمین شد. در سال ۹۲ هم با اعلام چرخه کامل طرح‌های اشاره شده و نحوه اخذ تسهیلات کار شروع خواهد شد. تمامی اطلاع‌رسانی‌ها هم تا پایان سال ۹۱ انجام می‌شود. مجموع بسیج سازندگی در استان‌ها و شهرستان‌ها نیز مدیر اجرایی این طرح هستند. همان‌طور که اشاره شد دستگاه‌های همکار وزارت جهاد کشاورزی و برخی از اقشار بسیج به ویژه بسیج مهندسان کشاورزی و بنیاد تعاون بسیج هستند که هر کدام نقشی را در اجرای این طرح ایفا می‌کنند. وزارت جهاد کشاورزی در نظارت‌های فنی و بهداشتی ورود می‌کنند و بسیج مهندسان کشاورزی هم در حوزه مشاوره، آموزش، ترویج و نظارت تخصصی سهم دارد. به هر حال پس از فراهم آمدن مقدمات کار از طریق رسانه‌های نوشتاری و تصویری نحوه مراجعه مردم ابلاغ می‌شود و همان‌طور که گفتیم بسیج از واگذاری تسهیلات گرفته تا مرحله خرید و فروش محصول، مردم شرکت‌کننده را همراهی می‌کند. ضمناً علاقه‌مندان می‌توانند از طریق مراجعه به سایت بسیج سازندگی نیز از چند و چون اجرای طرح مطلع شوند.

بین دستگاه‌های دولتی و مردم را ایفا می‌کند. در اجرای این طرح نیز بسیج سازندگی چنین نقشی را بر عهده دارد. به عنوان مثال در ساخت ۵۰ هزار حوضچه ماهی مورد اشاره، بسیج سازندگی به نیابت از مردم یک طرح کلی را به بانک ارائه می‌دهد و با اخذ یکجای تسهیلات لازم، از مراجعه مردم به بانک‌ها جلوگیری می‌شود. سپس خود ما به مردم مراجعه می‌کنیم و این تسهیلات را در اختیارشان قرار می‌دهیم. همان‌طور که گفتیم تا حد امکان تسهیلات غیر نقدی ارائه می‌شود. در همین ساخت حوضچه‌ها مشابه ساختن مناطق زلزله زده به نیابت از مردم، بسیج اجرای طرح را بر عهده می‌گیرد. ضمن اینکه مردم عملاً خودشان استخر را خواهند ساخت، ولی مسئولیت و مدیریت آن با ماست. این روش اجازه انحراف در بودجه را نیز خواهد گرفت؛ چراکه بارها مشاهده شده و می‌تواند در یک جهت خاص اخذ شده اما در مسیر دیگری به مصرف می‌رسد. اما با مدیریت تسهیلات توسط بسیج سازندگی، خود ما نایب مردم در اخذ تسهیلات از بانک‌ها خواهیم بود تا از مراجعه پراکنده ۵۰ هزار تسهیلات‌گیرنده به بانک‌ها جلوگیری شود و از طرف دیگر ما پاسخگوی اجرای طرح به بانک یا منبع ارائه دهنده تسهیلات خواهیم بود. در خصوص اعلام ارقام برخی از این تسهیلات نیز باید به اعطای ۷۰ میلیون ریال اعتبار برای ایجاد مراکز ترویجی ۱۵۰۰ قطعه‌ای مرغ سنتی (که باید زمین و انشعابات از خود اعتبار‌گیرنده باشد)، ۵۰ میلیون ریال اعتبار برای ایجاد گلخانه‌های زیر ۱۰۰ متر، ۳۰ میلیون ریال برای کارگاه‌های ۵ متری ورمی کمپوست... اشاره کنیم.

**در بعد اشتغالزایی پیش‌بینی می‌کنید که این طرح اقتصادی تا چه میزان مؤثر باشد؟**

هدف کلی ما از اجرای این طرح اشتغالزایی نیست، بلکه تأمین امنیت غذایی است. اینکه روستاییان حداقل غذای خود را تأمین کنند. البته اگر کسی بتواند کار خود را گسترش دهد مورد حمایت ما قرار می‌گیرد و به این ترتیب می‌تواند یک شغل به شمار آید، اما همان‌طور که گفتیم ما در ابتدا در صدد آن هستیم که نیازهای غذایی را تأمین کنیم و قصد هم نداریم که مانند برخی از آمارها و ارقام صرف اعطای تسهیلات را یک شغل به حساب آوریم.

**اهداف عالی بسیج در اجرای چنین طرح‌های اقتصادی چیست؟**

با توجه به راهبرد الگوسازی و بن بست شکنی بسیج در حوزه اقتصاد مقاومتی به جرت می‌توان گفت با انجام این طرح در سال ۹۲ خود مردم کشورمان جرئت ورود و پرداختن به ده‌ها عرصه دیگر را به دست خواهند آورد و مشابه دوران دفاع مقدس که نقش مردم در حوزه دفاع کاملاً عملیاتی شد؛ چنانچه یک روحانی یا یک کارگر به فرماندهی لشکر رسیدند، در این حوزه نیز هم مردم به این باور برسند که خودشان اقتصاد مقاومتی را مدیریت کنند. ■

**یکی از هدفگذاری‌های ما ایجاد ۵۰ هزار استخر حداقل ۱۰۰ متری در کنار چاه‌های آب موجود کشور است اکنون ما ۵۰ میلیون قطعه مرغ سنتی در حال تولید داریم که برآیند با اجرای این طرح تا پایان سال ۹۲ این رقم را به ۱۰۰ میلیون قطعه برسانیم. ایجاد ۸ هزار کارگاه سنتی خانگی تأمین ورمی کمپوست که بر آن است جایگزین کود شیمیایی وارداتی شود نیز از جمله هدفگذاری‌های ماست**



**هدفگذاری‌تان در این طرح چه خواهد بود؟ آمارهایی از این هدفگذاری دارید؟**

یکی از هدفگذاری‌های ما ایجاد ۵۰ هزار استخر حداقل ۱۰۰ متری در کنار چاه‌های آب موجود کشور است که لازم به یادآوری است هم اکنون ۵۰۰ هزار چاه ثبت شده در کشور داریم. همان‌طور که قبلاً گفتیم اکنون ما ۵۰ میلیون قطعه مرغ سنتی در حال تولید داریم که برآیند با اجرای این طرح تا پایان سال ۹۲ این رقم را به ۱۰۰ میلیون قطعه برسانیم. ایجاد ۸ هزار کارگاه سنتی خانگی تأمین ورمی کمپوست که بر آن است جایگزین کود شیمیایی وارداتی شود، از دیگر هدفگذاری‌های ماست. این را هم اضافه کنیم که اکنون ما سالانه ۶۰۰ هزار تن کود شیمیایی وارداتی داریم. به همین خاطر بسیج بر آن است در یک زمانندگی سه ساله با حمایت از تولید ورمی کمپوست، جایگزینی برای این واردات ایجاد کند.

**تسهیلاتی که قرار است به علاقه‌مندان واگذار شود به چه صورت است؟ اگر می‌شود به ارقام برخی از این تسهیلات هم اشاره کنید.**

همان‌طور که گفتیم بسیج سازندگی در اجرای مأموریت‌های راهبردی خود به نیابت از روستاها و مناطق محروم نقش واسطه





محمدحسین ولایتی / جوان

گفت و گو با سردار علی فضلی، فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج

## راهیان نور انتخاب اول سفر

صغری خیل فرهنگ

در اهمیت راهیان نور و حضور در مناطق جنگی دفاع مقدس، همین بس که امام خاتمه‌ای فرمودند: «شُرکت من در مجموعه

زائران خاک خونین شلمچه برای بزرگداشت یاد و نام شهیدان عزیز و مردان بزرگی است که با خون خود، با جهد و همت خود، با عزم و اراده خود نام شلمچه و خرمشهر و خوزستان و ایران را در تاریخ بلند کردند.» راهیان نور به همت بسیج، تقریباً در تمامی فصول سال جریان دارد. اما رسیدن فصل بهار و نزدیکی به تعطیلات ایام نوروز بهانه‌ای را برای عموم هموطنان به ویژه جوانان پدید می‌آورد تا این ایام را در کنار مشهد و آوردگاه فرزندان دلیر ایران سپری کنند، سنت حسنه‌ای که امسال باز تداوم خواهد داشت. برای آشنایی با چند و چون راهیان نور با سردار حاج علی فضلی، فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور سپاه و بسیج همکلام شده‌ایم که خود از تبار عاشورائیان جبهه‌های دفاع مقدس است.

**ریشه راهیان نور به کجا باز می‌گردد؟**

راهیان نور ریشه در تاریخ اسلام و صدر اسلام دارد. اولین کاروان راهیان نور با شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا (ع) در جنگ احد، آغاز شد که رسول مکرّم اسلام (ص)، حضرت صفیه عمه پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س)، به عنوان یک کاروان به سر مزار این شهید و سایر شهدا می‌رفتند. استمرار آن حرکت امروز به سرزمین‌های نور ایران رسیده است. راهیان نور حجتی است که به تنهایی می‌تواند آثار و برکات حج ابراهیمی، بصیرتی را برای امت و جوانان در پی داشته باشد. راهیان نور مهمانی شهیداست. رزمگاه رزمندگان اسلام است که همه چیز را برای خدا دیده و با خدا معامله کرده‌اند. عرصه‌ای است که در آن غل و غش یافت نمی‌شود. وقتی کار برای خدا باشد، طبیعتاً اثرگذاری خاص خود را دارد. راهیان نور فرصتی است برای نظام اسلامی، فرصتی است برای همه مردم شریف ما به ویژه

۱۳۶۴ قبل از عملیات والفجر ۸، ما ۷۰۰ مهمان خارجی از حزب الله لبنان و جمعی از خانواده معزز شهیدان را، در خوزستان داشتیم. این عزیزان شبی هم در لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) مهمان مان بودند. خاطره‌ای از حضور این عزیزان دارم که جادارد برایتان بازگو نمایم. در میان کاروانیان پیر مردی ایرانی بود. این پیر مرد شریف، کاملاً اتفاقی در وقت نماز کنار من نشسته بود. بر نامه‌ای برای این مهمان‌ها پیش‌بینی کرده بودیم که بعد از نماز شرحی از وضعیت جبهه‌ها برای آگاهی عزیزان بدهیم. نمایش رزمی هم در اردوگاه کوثر که در کیلومتر ۱۰ جاده اهواز به سوسنگرد واقع شده بود، برای این عزیزان پیش‌بینی شده بود. این پیر مرد خودش را برای من سر لشکر جم معرفی کرد. او فرمانده لشکر زمان طاغوت بود. از من پرسید: «فرمانده این لشکر کیست، کجا نشسته است؟» عرض کردم، فرض کنید مثل من باشد. خیلی تعجب کرد! گفت: «مگر می‌شود یک جوان ۲۳ ساله؟! فرمانده این قدر جوان باشد؟ من قدماتی را برای توضیحات و... آماده کرده بودم، قرار شد به عنوان خادم لشکر سیدالشهدا (ع) برای صحبت کردن بروم. من رفتم پشت تریبون برای سخنرانی. ایشان همین طور متحیر نگاه می‌کرد و باور نداشت. در طول صحبت‌های من همان طور اشک از دیدگانش جاری و در چهره مات و مبهوتش یک حظ معنوی جاری بود. گزارشی از وضعیت جبهه و جنگ دادم. بعد از اتمام صحبت‌هایم، من را تمام‌قد در آغوش گرفت، گفت همه جوهره فکر می‌کردم، جز اینکه در سپاه اسلام، فرمانده لشکر به این جوانی باشد. گفتم این هنر ولایت است، هنر امام خمینی (ره) است. امام خمینی (ره) به جوانان اعتماد کردند، در آن شرایط سختی که در جنگ بر ما گذشت. ما مقاطع مختلفی را در جنگ دیدیم. از نداشتن امکانات، تجهیزات، تحریم و... تا حضور بنی صدر خائن با آن نفاق درونی که همراهی با آرمان امام (ره) را در سر نداشت و همیشه با رزمندگان نیروهای مردمی و سپاه به شکل تحقیرآمیزی برخورد می‌کرد. اما رزمندگان ما با رشادت حماسه‌های بزرگی را خلق کردند و ما نباید بگذاریم که این مکان‌ها که یادآور رشادت‌های رزمندگان در سال‌های دفاع مقدس است در اثر بی‌توجهی از بین برود.

**روند اعزام راهیان نور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در چند سال اخیر، به لطف خداوند چند اتفاق بزرگ در راهیان نور رخ داده است. اول اینکه راهیان نور از اواخر اسفند و اوایل فروردین عبور کرده و در طول سال هر عزیزی اراده کند، حضورش در آنجا امکان پذیر شده است. شاید در شرایط محدودیت جوی داشته باشیم. اگر هوا گرم باشد، باز زیارتگاه‌های ما در خوزستان امکان پذیرش دارند. اما با ظرفیت کمتری. در غرب و شمالغرب و... امکانات مان همیشه است. فرآیند سالانه برنامه‌ریزی راهیان نور ماز اوایل اردیبهشت سال تا آخر فروردین سال بعد است. هر چه تلاش کردیم نند سال شمسی را مینا قرار دهیم. لذا پیوستگی دارد و ایام تعطیلات هم هست؛ برای گزارش سالانه می‌گوییم از اول اردیبهشت تا آخر فروردین سال بعد. امروز در هر پنج استان خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، ایلام و آذربایجان غربی آمادگی پذیرش راهیان نور وجود دارد. این کانون توجه به هر پنج استان درگیر در جنگ معطوف شده است. البته زیر ساخت‌ها در خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی شیب پایین‌تری دارد. اما در تلاش هستیم تا توسعه را ایجاد کنیم و آمادگی پذیرش را افزایش دهیم.

**اردوهای راهیان نور تقسیم‌بندی خاصی نیز دارد؟**

اما آنچه از راهیان نور مدنظر ما است همانی است که در قالب کاروان‌های سازمان یافته یا خودجوش به این سفر راهیان نور می‌آیند. در اصل ما دو دسته کاروان داریم؛ کاروان‌هایی که در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد هستند و بخشی هم خودجوش که خودشان می‌آیند. برای مراجعه به بخش سازمان یافته یک فرآیند سه‌گانه‌ای را پیش‌بینی کردیم. در واقع تقسیم‌کاری بین بخش‌های مختلف است. بخش اول زیرساخت زیارتگاه راهیان نور است که بر عهده ستاد راهیان نور است که از ابتدا تا انتهای کار

جوانان عزیز، راهیان نور فرصتی طلایی است تا بستر حضور در کربلاهای ایران فراهم شود. امکان بازدید، امکان روایتگری، امکان شب‌هایی را با آن حال و هوا سپری کردن، که توامان می‌تواند حوزه کار تربیتی برای ما باشد.

**در زمان جنگ نیز کاروان‌های راهیان نور را داشتیم. این سفرها از چه زمانی آغاز شدند؟**

ما در دوران دفاع مقدس، به نوعی کاروان‌های راهیان نور را داشتیم. خانواده شهیدان در جبهه‌ها حضور پیدا کرده و به رزمندگان سرکشی می‌کردند. در کنار خانواده شهیدانمه بزرگوار جمعه و مسئولان هم بودند. مهمان‌های ما در آن زمان از علاقه‌مندان داخلی و خارجی بودند. یادم هست در سال



**در چند سال اخیر، به لطف خداوند چند اتفاق بزرگ در راهیان نور رخ داده است؛ اول اینکه راهیان نور از اواخر اسفند و اوایل فروردین عبور کرده و در طول سال هر عزیزی اراده کند، حضورش در آنجا امکان پذیر شده است. شاید در شرایط محدودیت جوی داشته باشیم. اگر هوا گرم باشد، باز زیارتگاه‌های ما در خوزستان امکان پذیرش دارند، اما با ظرفیت کمتری. در غرب و شمالغرب امکانات مان دایمی است**



**زائران در سازمان‌های مختلف، از راه‌های زمینی، ریلی، هوایی و دریایی به راهیان نور اعزام می‌شوند که اعزام در بحث هوایی و دریایی در حال حاضر با توجه به نداشتن ظرفیت‌های کافی به صورت اندک صورت می‌گیرد، اما در بحث زمینی و ریلی بیشترین اعزام‌ها را داریم. فرآیند بعدی در بخش سخت‌افزاری است که آن هم آماده‌سازی و ساخت اماکن برای زائران و زائر سراها و اردوگاه‌ها را شامل می‌شود**

را به راهیان نور آورده‌ایم که چند سالی است با هماهنگی آموزش پرورش، همراه برادران سپاه و بسیج در این فرآیند حضور دارند. ما از ۴۰۰ هزار نفر زائر در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷، به یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسیده‌ایم و این تعداد در سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸ به یک میلیون و ۸۶۰ هزار نفر و در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ به ۱ میلیون و ۹۳۴ هزار نفر رسیده است. این آمار در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ به ۳ میلیون و ۹۳۷ هزار یعنی حدود ۴ میلیون نفر رسیده است و این تنها آمار است که ما توانسته‌ایم ثبت نماییم و احتمالاً باقی زائران در زمان‌هایی در مناطق عملیاتی و راهیان نور حضور داشته‌اند که از چرخه ثبت ما خارج شده باشند.

نکته مهم این است که آرمان دیگر در این هدف‌گذاری جهت فرض شده است، جوانگرایی است که ۸۸ درصد از کاروان‌های ما در سال گذشته بار اولی بودند. زائرین عمدتاً جوان‌ها هستند. در سال گذشته که سه سال است طرح دانش‌آموزی را اجرا می‌کنیم این جوانان عزیز در تعطیلات عید نوروز با همراه خانواده حضور پیدا کردند. راهیان نور جزو یکی از انتخاب‌های سفر نوروزی شده و لحظه تحویل سال نو در جوار شهدا بهترین و زیباترین لحظه‌ها را برای مهمانان رقم می‌زند. مناطق جنگی و عرصه راهیان نور پهنه وسیعی است که هیچ کس نمی‌تواند از همه برکاتش استفاده کند و اثرگذاری خود را داشته باشد. ما در راهیان نور بیش از ۱۲ هزار نفر خادم داوطلب خواهر و برادر داریم که نمی‌توانیم از حضور همه آنها بهره مند شویم. آنها عاشقانه این مسیر را برگزیده‌اند.

**بعد از حادثه‌ای که برای دانش‌آموزان بروجنی افتاد، دشمن هزینه زیادی برای تعطیلی کشتاندن راهیان نور صرف کرد، چرا دشمنان از راهیان نور و حضور جوانان در این حرکت فرهنگی عصبانی‌اند؟**

رسانه‌های دوست و دشمن این حادثه را رصد کردند، اصل اتفاق تلخ بود، اما بعد دشمن به جد حمله کرد. با هر چه در توان داشت به میدان آمده بود، با چوب، نیزه شکسته و سنگ و... به میدان آمد. معلوم بود که آنها از اصل راهیان نور ما دلخورند. این هم به این دلیل است که اصل راهیان نور که یک حج بصیرتی است، کاری است اثرگذار، عمیق، کوتاه مدت، کم هزینه، پر ثمر و پر اثر. هرگاه می‌خواهیم کار فرهنگی انجام بدهیم که جوانان ما روی پای خود بایستند، روی اهداف و آرمان‌ها و اهدافشان بایستند، این برای دشمن بسیار شکننده است. تحمل این موضوع که دانش‌آموزان ۱۵-۱۷ ساله به درکی رسیده‌اند که در مناطق جنگی و بانشرایط خاص در بازندگی و... با پای برهنه به زیارتگاه شهدا بروند، ایشان به چیزی رسیده که دشمن ناآراحت می‌کند و همه تلاش‌شان کم رنگ کردن و به تعطیلی رساندن اردوهای راهیان نور است. چون ارزش و اهمیت کار کاملاً آگاهند.

تا قبل از وقوع آن حادثه و تصادف، ۱۵ هزار نفر به راهیان نور رفته بودند و بعد از آن ۴۸۵ هزار نفر تا به امروز در راهیان نور حضور یافتند. ما حضور این تعداد زائر را در شلمچه از برکت خون شهدا و پایداری در ارزش‌های والای آنان می‌دانیم. تمام تلاش دشمن برای ضعیف جلوه دادن این حرکت فرهنگی است. مقصد راهیان نور الهی و ارزشمند است و نتایج ثمر بخشی در بین جوانان و جامعه دارد. مشکل ما در حضور بیشتر افراد کمبود اعتبار بود. هم اکنون هم نیروهای داوطلب دانش‌آموز و فرهنگی در نوبت هستند. امیدواریم اعتبارات لازم مهیا شود.

اما جای بسی سپاس دارد که در برابر حمله‌های دشمن، دوستان و امت امام هوشمندانه از راهیان نور حمایت کردند. دولت، مجلس و نیروهای مسلح و آحاد مردم شریف حمایت کردند و مردم هوشمندانه بچه‌ها را در این مسیر قرار دادند. دشمنان قسم خورده ما به دنبال انتقام‌گیری از دفاع مقدس هستند. برخی نفس‌های مسموم با داشتن عقده در پی انتقام‌گیری از دفاع مقدس هستند و به این دلیل به دفاع مقدس، حمله وارد می‌نمایند. اگر بخواهیم حمله‌های دشمن را در جنگ نرم پاسخ بدهیم جوانان ما باید با ارزش‌های دفاع مقدس آشنا شده و به آن پی ببرند. راهیان نور برای مقابله با حمله‌های جنگ نرم دشمن است. باید راهیان نور تداوم داشته باشد. ■

مقدس هستند، ولی به صورت تخصصی در یک زیارتگاه یا دو زیارتگاه برنامه دارند. سطح بعدی راویان از فرماندهان دفاع مقدس هستند که اشراف کامل روی روایت دارند. بخش ششم فضا سازی فرهنگی است که از محل اعزام آغاز می‌شود تا می‌روند در مسیر در اردوگاه، در زیارتگاه نمایش رزمی وقتی برمی‌گردند که فضا سازی با توجه به امکانی که داریم صورت می‌گیرد آن هم با کمک دستگاه‌هایی که داریم انجام می‌دهند.

کار دیگری که برای زائرین عزیز انجام می‌شود، نمایش رزمی است. نمایش رزمی فرهنگی که خود یک روایت فتح و بصیرت افزایی است و آیت‌های مختلفی هم به نسبت مخاطبینش دارد. اگر استاد باشد، یا اگر دانش‌آموز باشد یا اگر دانشجو یا... اما در شاکله کلی، ارائه یک نمایش رزمی از فتوحات سپاه استان است. مثلاً قطعه محل شهادت شهید حسین فهمیده، یا شهید چمران در آژادسازی پاره، بازسازی شده است که برای همه اینها کار تحقیقاتی زیادی انجام گرفته است.

**مایلیم درباره آخرین آمار و اطلاعات حضور علاقه‌مندان در کربلاهای ایران بفرمایید؟!**

ما هدفمندی خاصی را در میان زائران دنبال می‌کنیم. اساتید دانشگاه و حوزه‌های علمیه، امروز در بالاترین سطح ممکن حضور دارند که جای توسعه هم وجود دارد. جامعه هدف ما هم دانشجویان طلاب، دانش‌آموزان به ویژه دوم دبیرستانی‌ها هستند که در این آمادگی دفاعی دارند. ما دوره عملی این دانش‌آموزان

در اختیار ستاد راهیان نور است. بخش دوم، اداره زیارتگاه‌هاست که امروز زیارتگاه‌ها بین سپاه، بسیج و ارتش و مردم تقسیم شده است.

بخش سوم، اعزام، سازمان یافته با محوریت بسیج و سپاه است. سازمان‌های دیگر هم که در این مسیر همراهی می‌کنند اطلاعات و آمارهایشان پیش ماست. یعنی از یک مجاری اعزام می‌شوند. بنابراین طی یک فرآیندی از سال‌های ۸۷-۸۶ که باز همین دوره زمانی را به نسبتی شامل می‌شود، ۴۰ تا ۴۲۰ هزار کاروان سازماندهی یا خودجوش عازم کربلای ایران شدند.

**در آستانه سال نو با اشتیاق بیشتر مردم برای حضور در کاروان‌های راهیان نور مواجه می‌شوید چه برنامه‌های ویژه‌ای برای این ایام دارید؟**

برنامه‌ریزی در سازمان بسیج در برگزاری اردوهای راهیان نور شامل شش فرآیند است: فرآیند اول، نام‌نویسی است و مدیریت کاروان، که مقام مسئول در آن سازمان است، مسئولیت کاروان راهیان نور را بر عهده خواهد داشت. زائران از هر حوزه و سازمان که اعزام می‌شوند، بالاترین مسئول در آن سازمان، مدیریت کاروان است.

فرآیند دوم، بحث تغذیه است. هر کاروان به طور میانگین به مدت شش روز در راه است که رسیدگی و تهیه غذای مورد نیاز به آنها بدون برنامه‌ریزی امکان‌پذیر نیست. البته برای زائران خودجوش در اردوگاه‌ها خدمات و غذا با هزینه تمام شده واگذار می‌شود، چون کار غیر انتفاعی انجام نمی‌دهیم. در واقع هزینه تمام شده را پرداخت می‌کنیم.

فرآیند سوم، بخش حمل و نقل است. زائران در سازمان‌های مختلف، از راه‌های زمینی، ریلی، هوایی و دریایی به راهیان نور اعزام می‌شوند که اعزام در بحث هوایی و دریایی در حال حاضر با توجه به نداشتن ظرفیت‌های کافی به صورت اندک صورت می‌گیرد. اما در بحث زمینی و ریلی بیشترین اعزام‌ها را داریم. فرآیند بعدی در بخش سخت‌افزاری است که آن هم آماده‌سازی و ساخت اماکن برای زائران و زائر سراها و اردوگاه‌ها را شامل می‌شود. ما زائران را در جاهایی که در شأن زائران است اسکان می‌دهیم.

بخش بعدی، روایتگری راویان عزیز در دوران دفاع مقدس است که از صفر تا ۱۰۰ در اختیار نیروهای مسلح است. این بخش عرصه‌ای نیست که سازمان‌های دیگر وارد آن شوند. چون نیاز به آموزش، کنترل و سطح بندی داریم. ۱۳ هزار و ۵۰۰ راوی دفاع مقدس و جوان داریم که در ۳ سطح هستند، که شامل جوانان عزیز ما هم هستند. سطح ۳ داخل خودرو و قطار بر اساس آموزش و دوره‌هایی از روی کتاب مقتل خوانی می‌کنند. حقایق دفاع را به مخاطب آن طور که باید به مخاطبین منتقل می‌کنند. بخش دوم راویان مستقر در زیارتگاه است که عموماً از رزمندگان دفاع



محمداصق حسینی / جوان